



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

قتل عام

حجاج یمنی

توسط وهابیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	هجوم وحشیانه‌ی وهابیان بر حجاز
۹	پاورقی
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۹-۴۸۹۱

عنوان و نام پدیدآور: قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

منشأ مقاله: ، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۰، ش ۲، (اردیبهشت ۱۳۷۹): ص ۵۵ - ۶۲.

توصیفگر: وهابیه

توصیفگر: کشتار دسته‌جمعی

توصیفگر: عربستان سعودی

توصیفگر: انگلستان

توصیفگر: آل سعود

مقدمه

در سال ۱۳۴۱ وهابیان با حجاج یمنی که هیچ‌گونه وسیله‌ی دفاعی با خود نداشتند، روبه‌رو شدند. آنان در ابتدا با حجاج همراه شدند و به ایشان امان دادند ولی بعداً نیرنگ بکار بردند وقتی که به دامنه‌ی کوه رسیدند وهابیان در قسمت بالای و پهنای کوه قرار گرفتند و حجاج یمنی در پائین، آنگاه دهانه‌ی توپها را به طرف آنها کرده و همه را به گلوله بستند و همه‌ی آنها را که حدود هزار نفر بودند، کشتند و تنها دو نفر موفق به فرار شدند و از جریان این کشتار وحشیانه اطلاع دادند. مرحوم علامه‌ی امینی، پس از نقل این جریان و جنایت هولناک می‌گوید: «صاحب المنار طبق عادت دیرینه‌اش که برای اعمال زشت و ناهنجار وهابیان عذرتراشی می‌کند، از این جنایت هولناک وهابیان نیز در مجموعه مقالات خود «الوهابیون والحجاز» این چنین عذرتراشی کرده است: «پس از درگذشت سید محمدعلی ادریسی که از منطقه‌ی عسیر به نفع پادشاه نجد کناره گرفته بود، ملک حسین به آنجا یورش برد و وهابیان را سخت گوشمالی داد و به دنبال آن رویداد قتل حجاج یمنی پیش آمد، وهابیان به تصور آن که آنان سپاهیان امدادی ملک حسین هستند، به سوی آنها تیراندازی کردند و پس از آن که به اشتباه خود پی [صفحه ۵۶] بردند سلطان عبدالعزیز از امام یحیی پوزش خواست و با پرداخت غرامت معقولی بر حفظ مراتب دوستی موافقت کردند». [۱]. با این‌گونه عذرتراشی‌های خنک و فاسد هرگز نمی‌تواند جنایات وهابیان را در ریختن خون مسلمانان توجیه کند و بپوشاند زیرا این اولین بار نیست که وهابیان وحشی دست به چنین جنایت هولناک می‌زنند، بلکه آنها در هر فرصتی که پیش آمده، دهانه‌ی توپهای خود را به سوی مسلمانان گشوده‌اند و مسلمانان را با نیرنگ و ستم گاه در سوریه و گاه در حجاز یا عراق و یمن کشتار کرده‌اند، آری این جنایات وهابیان را همه فهمیده‌اند و هرگز این عذرهای بدتر از گناه نمی‌تواند بر روی آنها پرده کشد! صاحب المنار می‌گوید: وهابیه گمان کردند که حجاج یمنی کمک و سپاه امدادی ملک حسین هستند، چگونه می‌توان چنین احتمالی داد در صورتی که آنها سلاح با خود نداشتند و آنها مجاز نبودند در کشور دیگری با خود سلاح حمل کنند و اگر آنها اسلحه با خود داشتند وهابیه نمی‌توانستند آنها را قتل عام کنند، آیا وضع زائران خانه‌ی خدا از وضع جنگجویان شناخته نیست؟! چگونه انسان عاقلی می‌تواند چنین احتمالی بدهد که این جمعیت حجاج سپاه امدادی باشند؟ آیا وهابیه‌ها درباره‌ی عربهای شرق اردن نیز تصور کرده بودند که آنان سپاه امدادی هستند که با آنها در خانه‌هایشان جنگیدند و همه‌شان را به توپ و گلوله بستند و همه را از بین بردند؟! آیا مردم عراق را نیز سپاه امدادی می‌پنداشتند که پی در پی به آنها یورش می‌بردند و می‌کشتند و غارت می‌کردند و... [۲].

هجوم وحشیانه‌ی وهابیان بر حجاز

ابن سعود به تدریج نفوذ خود را در تمام سرزمین نجد توسعه داد و رقیب نیرومند خود ابن‌الرشید را از میان برد، درصدد برآمد حکومت خود را توسعه دهد و حجاز را به [صفحه ۵۷] تصرف خود درآورد و حرمین شریفین را ضمیمه‌ی حکومت خویش نماید. مسأله‌ی فتح حجاز به واسطه‌ی وجود شهرهای مقدس مکه و مدینه بسیار دشوارتر و حساستر بود. از سوی دیگر ابن‌سعود که اکنون سالی ۶۰ / ۰۰۰ لیره‌ی استرلینگ از انگلستان دریافت می‌کرد مایل نبود برخلاف میل آنها عمل کند. و بالاخره فرقه‌گرائی خشونت‌آمیز وهابیان از نظر عربها و مسلمانان غیر وهابی خوشایند نبود و سبیت و بی‌رحمی آنان زمانی که یک قرن پیش محمد بن مسعود حاکم بر مکه بود، از خاطره‌ها محو نشده بود. حال برای فتح حجاز عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن سعود می‌بایستی دو کار انجام دهد، یکی این که انگلیسی‌ها را به وفاداری بی‌چون و چرای خود نسبت به آنان کاملاً مطمئن سازد و دیگر این که مسلمانان جهان را متقاعد کند که قادر به سرپرستی و نگهداری اماکن مقدس اسلام می‌باشد. در مورد نکته‌ی اول کار ابن‌سعود مشکل نبود زیرا می‌دانست انگلستان از دست شریف حسین به تنگ آمده است، حسین مرتب سالوسی‌ها و ریاکاریهای گذشته‌ی انگلیسی‌ها را به رخ آنها می‌کشید و از آن مهمتر جهان اسلام را بر ضد اعلامیه‌ی بالفور و ایجاد یک «کانون ملی یهود» در فلسطین به شورش دعوت می‌کرد، لذا انگلیسی‌ها از همان شخصی که در «جنگ جهانی اول» به عنوان «قهرمان قیام عرب» نام می‌بردند، اکنون با صفت‌های «مزور، دروغگو، زودباور، شکاک، لجوج، خودپسند، نادان، حریص و بی‌رحم» و به عبارت خلاصه نفرت‌انگیز یاد می‌کردند. [۳]. و نیز آن طور که مؤلف تاریخ مکه نوشته است [۴]، مطامع استعماری انگلیسیها اقتضا می‌کرد که بندر عقبه را از حجاز جدا سازند و ادعا می‌کردند که آن را ضمیمه‌ی شرق اردن که تحت حکومت امیر عبدالله فرزند شریف حسین است، خواهند ساخت. شریف در این باره، به انگلیسیها سخت پرخاش کرد و آنان در عوض او را در مقابل [صفحه ۵۸] رقیب دیرینه‌اش ابن‌سعود، تنها گذاشتند، عاقبت ابن‌سعود، تصمیم گرفت به حجاز حمله کند، از این روی در غره‌ی ماه ذیقعه‌ی سال ۱۳۴۲ در ریاض انجمنی مرکب از علمای وهابی و رؤسای قبائل به ریاست پدرش عبدالرحمن تشکیل داد. ابتدا عبدالرحمن آغاز به سخن کرد و گفت نامه‌هایی رسیده و از ما درخواست سفر حج کرده‌اند من آن نامه‌ها را نزد فرزندم عبدالعزیز فرستاده‌ام، او امام شماس است، و هر چه می‌خواهید از او بخواهید. سپس ابن‌سعود خطاب به حاضرین گفت: نامه‌های شما رسید و از شکایت شما آگاه شدم، هر چیزی پایانی دارد و هر کاری باید به موقع انجام گیرد. بعد از سخنان ابن‌سعود، مذاکراتی جریان یافت و در نتیجه همه‌ی حاضران حمله به حجاز را تأیید کردند. مدت سه سال بود که شریف حسین به نجدیان، اجازه‌ی حج نداده بود. ابن‌سعود به دنبال تصمیم به جنگ، سپاهی به فرماندهی سلطان بن بجاد به سوی مکه، گسیل داشت، نیروهای وهابی در سال ۱۳۴۲ به محلی رسیدند که از آنجا شهر طائف یکی از شهرهای مهم حجاز دیده می‌شد، شهرتی که نیروهای رزمنده‌ی وهابی بهم زده بودند، طوری بود که قوای پادگان طائف که فرماندهی آن را علی بن حسین، پسر حسین امر حجاز برعهده داشت، پیش از آن که حمله آغاز شود، فرار کردند. چند ساعت بعد، پس از آن که مذاکرات در مورد تسلیم شهر با زعمای قوم صورت گرفت ابن‌سعود وارد طائف شد. با آن که زعمای قوم شهر را تسلیم کرده بودند، خونریزی بی‌رحمانه‌ای صورت گرفت و مردم بی‌دفاع شهر اعم از مرد و زن و اطفال را از دم تیغ گذراندند و رقم کشته‌شدگان که در میان آنها علما و صلحا زیاد بود، نزدیک دو هزار نفر بودند، مغازه‌های بازار را تاراج کردند و خانه‌ها را به آتش کشیدند و چندان کارهای زشت انجام دادند که از شنیدن آنها مو بر بدن انسان راست و دل هر انسانی کباب می‌شود، چنانکه در دفعات [صفحه ۵۹] قبل نیز نظیر این جنایات را کرده بودند از جمله کشته‌شدگان، شیخ عبدالله زواری مفتی شافعی‌ها بود که از مسجد بیرون کشیدند و قطعه قطعه کردند و در میان کشته‌شدگان برخی پرده‌داران و خدمتگزاران کعبه‌ی مکرمه که برای بیلاقی به طائف آمده بودند، دیده می‌شدند. البته ابن‌سعود نتوانست این جنایات هولناک را انکار کند و ضمن

اعتراف، کار وهابیان را به اعمال خالد بن ولید در فتح مکه تشبیه کرد و با سخن رسول خدا که در آن زمان فرمود: «اللهم انی ابرء الیک مما صنع خالد» پوزش خواست. [۵]. سعودیها امروزه می‌گویند: احتمالا ارتش بر اثر تحریکاتی که شده بود، واکنش بیش از حد تندی نشان داد. ولی آنچه مسلم است، خبر این کشتار در سراسر حجاز پیچید و وحشت آفرید ملک حسین، انگلیسی‌ها را به کمک طلبید، سفیر انگلیس به او وعده داد که درخواست وی را به دولت متبوع خویش اطلاع دهد. شریف از جده به مکه بازگشت و منتظر کمک انگلستان نشست ولی آن دولت در جواب درخواست او به سفیر خود اشعار داشته بود که جنگ میان ابن سعود و ملک حسین یک جنگ مذهبی است که انگلستان به خود اجازه‌ی مداخله در آن را نمی‌دهد، اما اگر زمینه را مساعد ببیند، حاضر به میانجیگری می‌باشد. [۶]. طبق گفته‌ی «جرج آنتونیوس» دولت انگلستان گفته بود اگر طرفین درخواست کنند که میان آنها، حکم شود، در کارشان مداخله خواهد کرد. [۷]. و بنا به نقل دیگر انگلیسی‌ها در پاسخ حاضر شدند صرفا او را تا بندر عقبه اسکورت و همراهی کنند که از حجاز خارج شود و به نفع پسر خود علی کناره‌گیری نماید. [صفحه ۶۰] در آن موقع، جمعیتی در مکه به نام حزب وطنی تشکیل یافت که هدف نهائی آن رها ساختن حجاز از وضع آشفته‌ای بود که دچار آن گردیده بود، جمعیت مزبور، مقرر داشت که ملک حسین، به نفع فرزند خود ملک علی، از حکومت کنار برود و ملک علی فقط پادشاه حجاز باشد. این جمعیت به این مزبور در تاریخ چهارم ربیع الأول سال ۱۳۴۳ تلگرافی به امضای صد و چهل تن از علما و اعیان و تجار و اصناف دیگر به ملک حسین مخابره کرد و موضوع مزبور را به او تکلیف نمود. ملک حسین ناگزیر این پیشنهاد را پذیرفت و حزب وطنی در روز بعد، ضمن تلگرافی، ملک علی را که در جده بود، از جریان آگاه ساخت و او به مکه آمد و در تاریخ پنجم ربیع الأول ۱۳۴۳ زمام امور را در دست گرفت اما این تدبیر هیچ مشکلی را حل نکرد، زیرا اولاً با مخالفت خشک انگلستان مواجه شد و ثانیاً ابن سعود به ملک علی همان نظری را داشت که به ملک حسین پدرش دارا بود. [۸]. چنین حکومتی در حول علی بن حسین تشکیل شد، اما هیچ کشوری آن را به رسمیت نشناخت. تا مدت یک سال بعد هنوز مسأله‌ی حقوقی حجاز حل نشده بود و علی بن حسین کناره‌گیری پدر به نفع خود را عنوان کرده خود را حاکم حجاز دانست در همان سال وهابیان بی‌آنکه جنگی رخ دهد، وارد شهر مقدس مکه شدند، ملک حسین و پسرش که به جده رفته بودند، وهابیه‌ها خانه‌ی او را غارت کرده و تمام دارائی او را تصاحب نمودند. آنگاه او بالاجبار از حجاز خارج و روانه‌ی بندر عقبه گردید. پس از رسیدن به مقصد، در راه پیشرفت ملک علی کوشش فراوان می‌کرد و به دوام حکومت وی امید فراوان داشت. در همین حال دولت انگلستان به وسیله‌ی یکی از امیرالبحرهای خود به ملک حسین اخطار کرد در مدت سه هفته بندر عقبه را ترک کند و به هر کجا می‌خواهد برود. وی ابتدا این اخطار را جدی نگرفت، ولی پس از جریاناتی که رخ داد، مجبور شد [صفحه ۶۱] سوار کشتی شود و عازم جزیره‌ی قبرس گردد. شریف حسین به قدری به انگلیسیها بدبین شده بود که غذا جز از دست آشپز مخصوص خود نمی‌خورد و می‌ترسید وی را مسموم کنند. شریف تا سال ۱۹۳۱ م در قبرس ماند و در این سال بیمار شد وی را به عمان (پایتخت اردن مرکز پسرش امیر عبدالله) انتقال دادند و در آنجا و در همان سال فوت کرد و در جوار قدس شریف در بیت‌المقدس مدفون ساختند. [۹]. سرزمین حجاز، بجز مدینه و جده و بندر ینبع در تصرف قوای ابن سعود افتاده بود از طرفی نمایندگانی از دو سوی، در رفت و آمد بودند تا مگر قضیه با صلح فیصله یابد، اما هیچ نتیجه‌ای نمی‌گرفتند. در روز دهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۴۳ ابن سعود به نیت عمره، از ریاض به سوی مکه حرکت کرد و برای پیشبرد مقصود خود دست به ابتکاری زد و از سران مسلمانان جهت برگزاری یک کنفرانس اسلامی دعوت به عمل آورد، تا درباره‌ی این که چگونه بیت‌الله الحرام از تمایلات سیاسی دور نگاه داشته شود، با یکدیگر تبادل افکار نمایند، ظاهراً فقط مسلمانان هندوستان به دعوت او پاسخ مثبت دادند. [۱۰]. ابن سعود در حالی که جمعیت زیادی از سپاهیان و علمای نجد و جمعی از خاندان محمد بن عبدالوهاب و عده‌ای از رؤسای قبائل همراه او بودند، در مدت بیست و چهار روز به نزدیکی مکه رسید، در کوه عرفات «ابن لؤی» یکی از فرماندهان سپاه او در مکه، با هزار تن از جمعیت اخوان، به استقبال وی آمد و ورود او به مکه غروب

روز هفتم جمادی الأولی سال ۱۳۴۳ بود. پس از فتح طائف و مکه توسط وهابی‌ان، جنگ میان ابن سعود و ملک علی در جدّه در گرفت و در همان سال برنامه‌ی حج تعطیل گردید. ملک علی جمعی از افسران [صفحه ۶۲] سوری و افراد دیگر را به حجاز فراخواند و اسلحه و هواپیما خرید و پولها خرج کرد، ولی فائده‌ای نداشت وهابیها جدّه را محاصره کردند، و چون محاصره‌ی جدّه به طول انجامید، امیرعلی ناگزیر از مصالحه با وهابیها گردید و قرارداد صلح به وسیله‌ی کنسول انگلستان در جدّه تدوین شد و او با یک کشتی جنگی بریتانیایی و یا وسیله‌ی قطار از جدّه خارج گردید. [۱۱]. وهابیها به سال ۱۳۴۴ وارد این شهر شدند و کشتی‌های ملک حسین را تصاحب کردند و ملک علی در عراق نزد برادرش ملک فیصل اقامت گزید و با خروج او از حجاز ملک سعود پادشاه نجد و حجاز هر دو شد و وهابیها بر مدینه و تمام سرزمین حجاز دست یافته و عربهای حجاز را زیر فرمان خود درآوردند. ابن سعود در گرماگرم جنگ با امیرعلی می گفت که او به حجاز نیامده مگر آن که مردم حجاز را از ظلم و ستم اشراف رهائی بخشد و او قصد ندارد پادشاه حجاز بشود و در این خصوص او از مردم حجاز نظر خواهد خواست. [۱۲]. او این سخنان را همچون دیگر سیاستمداران و نیرنگ‌بازان دنیا که پیش از به قدرت رسیدن وعده‌ها می دهند و هرگز بدان عمل نمی کنند، بر زبان می راند ابن سعود به عنوان پادشاه حجاز تاجگذاری کرد «اخوان» (سربازان خاص سعودی) ناخرسندی خود را ابراز داشتند و در مراسم تاجگذاری شرکت نکردند. «اخوان» به تدریج از رئیس خود ناراضی شده بودند، آنها گمان می کردند که در راه خدا پیکار می کنند ولی نمی دانستند که در خدمت جاه و شکوه امیر قرار دارند. [۱۳].

باورقی

- [۱] الوهابیون و الحجاز: ص ۳۳.
- [۲] کشف الارتیاب: ص ۵۰ - ۵۱.
- [۳] نظام آل سعود، ص ۵۴.
- [۴] تاریخ مکه: ج ۲، ص ۲۳۶.
- [۵] کشف الارتیاب: ص ۵۲.
- [۶] المملكة العربیة السعودیة: ج ۲، ص ۳۰۰ - ۲۹۹.
- [۷] یقظة العرب: ص ۴۵۵.
- [۸] صلاح الدین مختار، تاریخ المملكة العربیة السعودیة، ج ۲، ص ۳۰۰.
- [۹] صلاح المختار، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۳۱۴ تا ۳۱۶.]
- [۱۰] نظام آل سعود: ص ۵۷.
- [۱۱] تاریخ المملكة العربیة السعودیة: ج ۳، ص ۳۵۷ و ۳۶۳.
- [۱۲] کشف الارتیاب: ص ۵۳.
- [۱۳] نظام آل سعود، ص ۵۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

